حمید حسام در بیمارستان بستری شد

حمید حسام، نویسنده حوزه دفاع مقدس و برگزیده جایزه جلال و کتاب سال دفاع‌مقدس به دلیل بیماری در بیمارستان بستری شد. حسام عصر دیروز در بیمارستان بوعلی همدان مورد عمل جراحی قرار گرفت. «آب هرگز نمی‌میرد»، زندگی‌نامه شهید سلگی به قلم این نویسنده یکی از موفق‌ترین کتاب‌های دفاع مقدس در سال‌های اخیر است.

شجره طوبی منتشر شد

کتاب «شجره طوبی» به قلم علیرضا رمضانیان از سوی به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی) با هدف پاسخگویی به پرسش‌هایی در مباحث مهدویت روانه پیشخوان کتابفروشی‌ها شد. این کتاب در ۱۲ فصل و ۲۳۲ صفحه قطع رقعی و در ۵۰۰ نسخه منتشر شده است. فصل اول این کتاب معرفت امام و موانع شناخت امام، فصل دوم در خصوص شرایط ظهور حضرت، فصل سوم علائم حتمی ظهور، فصل چهارم چند مورد علائم غیرحتمی ظهور و فصل پنجم زمان ظهور را مطرح کرده است.

نگاهی به ادبیات فلسطین بعد از سال ۱۹۴۸ و بیرون راندن فلسطینی‌ها

فلسطین؛ ریشه‌ها و شاخه‌های ادبیات

ابراهیم نصرا... در سال ۱۹۵۴ میلادی در اردوگاه الوحدات در عمان به دنیا آمد. پدر و مادر او جزو فلسطینیانی بودند که بلافاصله بعد از نکبت ۱۹۴۸، از فلسطین اخراج و آواره شدند. او در مدارس آژانس الغوث در اردوگاه پناهندگان درس خواند و از مرکز آموزش تربیت معلم فارغ‌التحصیل شد و فعالیت خود را به‌عنوان معلم در عربستان سعودی شروع کرد. سپس به اردن بازگشت و فعالیت بلندمدت خود را در روزنامه‌ها آغاز کرد که تأثیر قابل توجهی در تجربه ادبی او برجای گذاشت. او همچنین در سمت مشاور فرهنگی مؤسسه عبدالحمید شومان فعالیت کرد و پس از آن در سال ۲۰۰۶ وقت خود را به نویسندگی اختصاص داد.

ابراهیم نصرا... آثار ادبی فراوان و با ارزشی دارد؛ تاکنون ۱۲ مجموعه شعر و ۲۲ رمان از او منتشر شده است و امروز یکی از تأثیرگذارترین نویسندگان عرب به‌شمار می‌آید که جوایز ادبی بسیاری را از آن خود کرده است. مهم‌ترین آنها جایزه بوکر عربی برای رمان حرب الکلب الثانیه در سال ۲۰۱۸ و جایزه کتارا برای رمان ارواح کلیمانجارو/ سال ۲۰۱۶ بوده است.

آثار او تاکنون به زبان‌های مختلف ترجمه شده است. او در آثار خود از زمان و مکان فراتر رفته و با زبانی ادبی. فلسفی به دردها و دغدغه‌های انسان می‌پردازد. او فرزند اردوگاه است و پیش از هرچیز قلم متمایز و برجسته خود را برای قضیه‌ای که به آن باور دارد و هیچ‌گاه از آن دست برنداشته به کار گرفته است تا به این ترتیب فلسطین در میان آثارش جایگاهی ویژه به خود اختصاص دهد! از جمله این آثار می‌توان به مجموعه رمان‌های کمدی فلسطینی/ تاکنون یازده رمان و بالکن‌ها/ تاکنون پنج رمان اشاره کرد که در آنها به انعکاس تراژدی و تاریخ فلسطین و اشغالگران می‌پردازد.

ابراهیم نصرا... برای روزنامه جام جم یادداشتی نوشته که در آن روند تحولی ادبیات فلسطین را در سال‌های بعد از «نکبت» بررسی کرده است. این یادداشت را در ادامه بخوانید:

روزنامه لوموند دیپلماتیک درباره کتاب «قبل الشتات» دکتر ولید الخالدی که شامل عکس‌های او از فلسطین طی سال‌های ۱۸۷۶ تا ۱۹۴۸ است، می‌نویسد: همه ما شعار صهیونیستی «سرزمین بدون ملت برای ملت بدون سرزمین» را شنیده‌ایم. این کتاب استدلالی بر رد این سخن است.

کتاب دکتر ولید الخالدی صدها عکس دارد که زندگی پرشور یک جامعه زنده را در مزرعه‌ها، کارخانه‌ها، سفرها، تظاهرات، سینما، باشگاه‌های ورزشی، شب‌نشینی‌های اجتماعی، عروسی‌ها، آبادانی، زندگی فرهنگی و هنری و سفر نویسندگان و خوانندگان بزرگ به فلسطین چنان به تصویر می‌کشد که انسان به‌رغم تمام شرایط حاکم بر آن و هجمه صهیونیستی، جامعه‌ای ریشه‌دار و شور و هیجانی کمیاب را لمس می‌کند.

اما در سطح ادبی، تاریخ فلسطین بخشی از تاریخ ادبیات عرب است و می‌توان بُعد مهمی از زندگی فرهنگی و شکوفایی فلسطین قبل از قرن نوزدهم را از طریق کتاب دکتر احسان عباس به نام «فصول حول معالم الحیاه‌الثقافیه والعمرانیه فی فلسطین» شناخت.

می‌توان گفت آوارگی فلسطینی‌ها از کشورشان بسیاری از نوشته‌های آنها را از بین برد طوری‌که برخی از آنها به‌طور کامل از بین رفتند و برخی هم به دلایلی هنوز کشف نشده‌اند. با این‌حال مراجعه به کتاب قبل الشتات دکتر ولید الخالدی به ما این امکان را می‌دهد که شاهد یک زندگی آکنده از فعالیت نمایشی باشیم. زیرا فقط در قدس قبل از سال ۱۹۴۸ بیش از ۳۰ گروه تئاتر فلسطینی فعالیت داشت و تئاتر «هملت» در سال ۱۹۱۱ در غزه اجرا می‌شده است. رمان‌نویسی در فلسطین نیز از دهه ۲۰ قرن نوزدهم پا به عرصه ظهور گذاشت و در سال ۱۹۴۶، رمان مدرن عرب به دست جبرا ابراهیم جبرا با رمان «صراخ فی لیل طویل» شکل گرفت. علاوه بر این، هنرمندان بزرگ جهان عرب مانند ام‌کلثوم و نجیب الریحانی مراسم‌های خود را در فلسطین برگزار می‌کردند و این مسأله درباره بسیاری از نمایشنامه‌نویسان و نویسندگان عرب مانند توفیق الحکیم و شاعران بزرگی همچون الجواهری نیز صادق بود. همچنین تحقیقات نشان می‌دهد طی سال‌های ۱۸۷۱ تا ۱۹۴۸ تقریبا ۱۹۰ روزنامه، مجله‌ادبی، سیاسی، اقتصادی و ورزشی در فلسطین منتشر می‌شده است.

اما در حوزه نقد، یکی از نخستین منتقدان فلسطینی ،روحی الخالدی بود که کتاب او به نام «تاریخ علم الأدب عند الافرنج والعرب» در سال ۱۹۰۴ منتشر شد. او سال ۱۹۰۲ نیز کتابچه‌ای به عنوان «فکتور هیجو... بطل الحریه وشاعر الفرنسیس فی القرن التاسع عشر» منتشر کرده بود. نقدهای فلسطینیان بعدها نقش مهمی در ادبیات عرب ایفا کرد و دو نفر از منتقدان فلسطینی، یعنی احسان عباس و «جبرا ابراهیم جبرا» که رسیدن او به بغداد در سال ۱۹۴۸ توفانی هنری محسوب می‌شد، سهم به‌سزایی در حمایت از نهضت نوآوری به‌عهده داشتند.

اینها مواردی است که انسان موقع صحبت درباره ادبیات و نقش آن بعد از «نکبت» در زندگی فلسطینی‌ها متوجه می‌شود و با شناخت‌شان (گرچه همه قطره‌ای از دریاست) درمی‌یابد فلسطین به‌رغم این‌که او را از زمین بیرون کشیدند و باوجود تمام شرایطی که طی بیش از صد سال پیرامونش وجود داشته، چطور توانسته مقاومت کند و موفق شود و یک فرهنگ انسانی و هنری اثرگذار بیافریند.

ادبیاتی که بعد از «نکبت» شکل گرفت، قوی‌ترین ریشه‌ها را در شعر دهه ۳۰ و ۴۰ قرن گذشته در فلسطین داشت، چراکه شاعران در آن زمان و همچنین قبل از آن، مشعل روشنگری، انتقاد، انتقاد از خود، آگاهی اجتماعی و سیاسی را به دست داشتند، اما فقط در آثار عده‌ای از صاحب‌قلم‌ها و متن‌ها شاهد این مسأله هستیم.

شاید بتوان تا حدود زیادی جایگاه شعر را در این موضوع مؤثر دانست، زیرا شعر فلسطین در آن دوره واقعا شعر فلسطینی‌ها و روایت عظیم و کتاب آگاهی آنها بود. کتابی که صفحاتش رو به بادهای احاطه‌کننده قضیه فلسطین باز بود.

اهمیت فراوان ادبیات جدید فلسطین و در رأس آن ادبیات مقاومت از اینجا شروع می‌شود. ادبیات مقاومتی که نامگذاری اشیا به معانی‌شان و درگیری را به سرزمینی که فلسطینی با کشتارها و کوچ اجباری از آن محروم شده بود و فلسطینی را. پس از همگانی شدن قضیه‌اش. به اصل قضیه، برگرداند. با بازگشت قضیه به جزئیات خود، معنای نخستین هم به آن برگشت. معنای واقعی‌ای که آن را به سمت معنایی ناساز و آینده‌ای که با پاهای بریده نمی‌شد به آن رسید، پرت کرده بودند.

رمان «رجال فی الشمس» شروع عملی روایتی متفاوت از فلسطین بود (روایتی دور از احساسات مبتلا به دلتنگی و اشک بیش از حد) با این‌حال به نظر می‌رسد شعر مقاومت که در دهه ۶۰ قرن گذشته گسترش یافت، فرزند مشروع میراث مبارزه و زیباشناسی در شعر ماقبل نکبت باشد. شعری که ابراهیم طوقان، عبدالکریم الکرمی (ابو سلمی) و شاعر شهید عبدالرحیم محمود، ستون‌های آن محسوب می‌شدند. در این میان نام‌های دیگری نیز دیده می‌شود که گرچه به اندازه این افراد نمی‌درخشند، در مبارزه با پروژه تهاجم صهیونیستی به همان اندازه خالص و ریشه‌دارند.

تا این‌که غسان کنفانی رسید و روایتگری با رسیدن او و نوشته‌های او درباره ادبیات مقاومت تغییر کرد و با این تغییر چشم‌ها و قطب‌نمای انتقادها نیز تغییر کرد.

مطالعه دقیق آثار شعری فلسطین در دهه ۶۰ به طور خاص می‌تواند ما را به دو نتیجه برساند: اول این‌که این شعر در برخی اشکال خود توانست با سرعت زیاد با دعوت مدرنیته و پیشرفت شعر عربی همگام شود و حتی اشکالی ارائه کند که در برخی موارد از زبانی سلیس و گرم‌تر برخوردار باشند. دوم، این‌که اشعار منتشرشده تفاوت بسیاری با هم داشتند. چه شاعر با شاعر و چه شعر با شعر. موضوع ما اینجا ادبیات مقاومت است! و با نام‌هایی همچون محمود درویش، معین بسیسو، سمیح قاسم، فدوی طوقان، احمد دحبور، سالم جبران، می‌صایغ و دیگران مواجهه‌ایم اما در ابتدا تفاوت‌های واضحی وجود داشت که برخی شاعران توانستند بعدها با نگارشی متفاوت به نفع پروژه ادبی‌شان آنها را پشت سر بگذارند.

زمانی که شعر تبعید در خارج تا حدود زیادی خود را وقف ستایش تفنگ‌ها کرده بود، شعر در داخل به مبارزه‌طلبی می‌پرداخت و مدت‌زمانی گذشت تا شعر تبعید و شعر مقاومت همدیگر را روی زمین دیگری دیدند. زمین دیگر یعنی زمین رشد زیبایی‌شناسی! و این اتفاق زمانی رخ داد که شاعران فلسطینی دریافتند اگر نتوانند در جنبش‌های شعر عرب و جهان حضور داشته‌باشند از حیات ساقط خواهند شد.

با رسیدن به اواسط دهه ۷۰ و آغاز ظهور رمان‌های فلسطینی رشدیافته‌تر، زمانه دریافت اشعار و متونِ مبتنی بر حس همدردی و تقدیس ادبیات فلسطین (به اعتبار این‌که این ادبیات، خودِ فلسطین است،) هم گذشت. به نظرم این دوره باعث شد شعر فلسطین در صف مقدم شعرعرب قرار بگیرد. وقتی زیبایی‌شناسی‌ها به جزئی از بخش اصلی این شعر بدل گردید در به‌روی خواننده باز شد تا هرچه بیشتر به زیبایی‌شناسی‌های متفاوتِ بسیاری از شاعران عرب نزدیک شود؛ زیرا شعر فلسطین، به دلیل حضور فلسطین در آن شعری بسیار مقبول بود؛ وضعیتی که هنوز هم ادامه دارد.

ادبیات فلسطین همچون کتاب مقدس دیگری برای فلسطینیان بود و آثار ادبی فراوانی خلق شد که نه فقط از مبارز فلسطینی، بلکه از انسان فلسطینی سخن می‌گفت. به این ترتیب زمانه‌ای که میهن‌پرستی، بشردوستی را تحت فشار قرار می‌داد سپری شد و انسان‌دوستی، میهن‌پرستی را گسترش داد و بعد واقعی و جوهری‌اش را در وجدان انسان به آن بخشید. این مسأله در میان خوانندگان، چه در جهان عرب و چه در بسیاری از کشورهای جهان کاملا مشهود است.

به این ترتیب گذر ایام ثابت کرد شکسته‌نفسی توفیق زیاد وقتی درباره نقش ادبیات داخلی صحبت می‌کرد، درست نبوده‌است! چون ادبیات فلسطین با افزایش آگاهی فلسطینی‌ها به میراث و ادبیات‌شان قرار بود یکی از مهم‌ترین، جاه‌طلب‌ترین، پربارترین و پیشرفته‌ترین شاخه‌های ادبیات عرب شود؛ زیرا فلسطینی‌ها دریافته‌بودند کسی که زمین را می‌دزدد فقط در صورتی موفق می‌شود که هرچه را که روی آن زمین هست هم بدزدد. این مسأله آنجا اهمیت دوچندانی پیدا خواهد کرد که او در همان اوایل توانست پیروزها را از نوشتن تاریخ محروم کند. شکست‌خوردگان از طریق این ادبیات این توانایی را پیدا می‌کردند که روایت خود را برای مسیرهای تاریخ خود، روح خود، آرزوهای روح خود و مظاهر انسانی و میهن‌پرستانه آن به تصویر بکشند. همچنین این مسأله در مقایسه با هر زمینه دیگری در شکل‌گیری هویت روحی ملت فلسطین نقشی مهم‌تر داشت و حتی توانست به عمیق‌ترین ابعاد روحی فلسطینی برسد و آن را دوباره زنده کند و سال‌ها به حمایت از آن ادامه دهد. به این ترتیب فلسطینی توانست با این ادبیات. که جریان نوین آن در وطن اشغال‌شده و تبعید شکل گرفت. متن را به زمین واقعی تبدیل کند؛ زمینی برای روح خود و زمینی برای اندیشه بقا و تداومش.

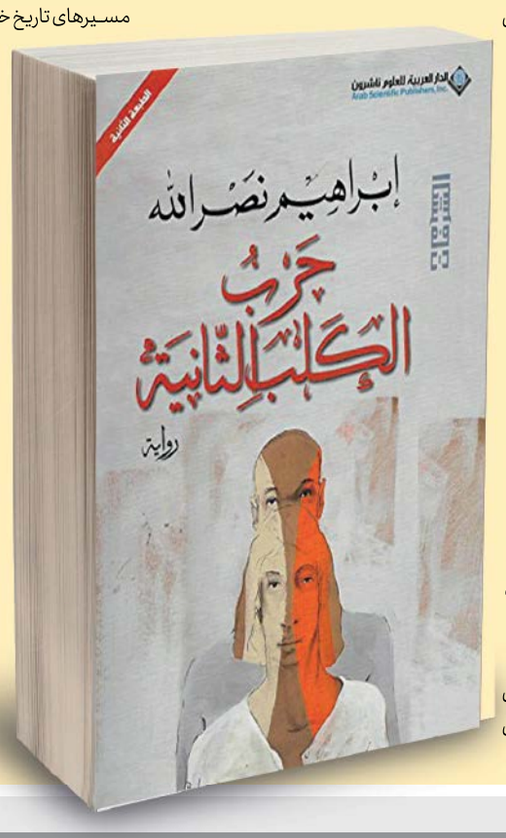

و اما بعد

ما در تمامی اینها همیشه در میان زخم و مرهم، امید و ناامیدی، محو حافظه و بازیابی آن زندگی می‌کنیم و به نظرم نوشتن در شرایط فلسطین، فعلِ وجود داشتن است. ما می‌نویسیم تا به حرف‌هایمان اضافه کنیم و بگوییم اینجاییم، زنده‌ایم و می‌توانیم چیز زیبایی به بشریت بدهیم. به همین دلیل نوشتن جزئی از وجود ماست، و شاید جمله گولدا مائیرِ، صهیونیست تا حدی نشان بدهد که آنها چقدر از دست به قلم بردن ما وحشت می‌کنند: «اگر فلسطینی‌ها یک ملت بودند ادبیات داشتند. الان هیچ رهبر صهیونیستی نمی‌تواند بگوید فلسطینی‌ها ادبیات ندارند.» ما به همان اندازه که ثابت کردیم ادبیات و هنری عظیم داریم ثابت کردیم ملتی هستیم که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را ندیده بگیرد. ما با زیبایی مقاومت می‌کنیم چنان‌که قبلا مقاومت کردیم و اکنون با سنگ و اسلحه مقاومت می‌کنیم!

تصویری از غسان کنفانی ادیب شهیر فلسطینی/ نوشته روی دیوار: هرگز نمی‌میرم تا وقتی بهشتم را در این زمین بکارم

۸ اینجا فلسطین است، خون و کلمه. جایی که خون «فارس» در آن جاری شده اما خاک تمامش را نبلعیده تا از باقیمانده آن فارس‌های دیگری جوانه بزنند که حتی شهادت‌شان شبیه او باشد. من خودم دیدم فارس دوباره زنده شد. همان جوانی را می‌گویم که در درگیری‌های اخیر جلویم ظاهر شد. با سینه‌ای برهنه و فلاخنی در دست که سنگ را در آن جا می‌داد. پای راستش را بالا برد و روی پای چپش چرخید و بعد شانه‌هایش همچون عقابی که بال‌هایش را تکان می‌دهد تا پرواز کند بالا و پایین رفتند. «آتش سنگین و مادر نگران بود و هر پسری را به نام فرزندش صدا می‌زد: فارس! یکی گفت: من فارس نیستم. او پیش تانک‌هاست. زن فریادکنان به سمت تانک‌ها دوید. جلویش را گرفتند: یهودی‌ها آنجایند. برگرد وگرنه می‌میری. برای فارس هیچ اتفاقی نمی‌افتد چون او دارد سنگ پرتاب می‌کند و دبکه می‌رود. به چپ و راست می‌رقصد و گلوله‌ها به او نمی‌خورد». (قطعه من اوروبا/ رضوی عاشور)

۹ اینجا فلسطین است، کلمه و خون. کلمات غسان کنفانی و حنظله ناجی علی را در صحنه مبارزه، مرید برغوثی را در قصه غربت و بازگشت مشروطش، تمیم برغوثی را در شعرش برای قدس و نویسندگان، شاعران و آزادگان جهان را در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی می‌بینیم و با خبر هر عملیاتی صحنه شهادت فارس پیش چشم زنده می‌شود. جوانانی که با چفیه‌هایشان جلوی تانک‌ها دست تکان می‌دهند و چنان می‌روند که گویی به مراسم عروسی آمده‌اند. آری! اینجا فلسطین است و این عروسی نسلی است با ادبیات مقاومت بزرگ شده، از آن الهام گرفته و می‌خواهد در مقابل دشمن محققش سازد، چون او حالا به‌خوبی می‌داند اسرائیل را هیچ چیز شکست نمی‌دهد به جز کلمه و خون.

کند شکست خورده‌ایم. اگر زنده ماندیم پس از آزادی یادت باشد که قرار است بسیار گریه کنیم. قرار است برای تمام کسانی که در تشییع جنازه‌هایشان کل می‌کشیم به دلخواه خودمان اشک می‌ریزیم و خوشحالی می‌کنیم، نه دلخواه کسی که روی آنها و ما آتش می‌ریزد» (اعراس آمنه/ ابراهیم نصرا...»)

...ن می‌زنند و با غرش توپخانه‌ها به شهادت ...ت قصه فلسطینی است! میان جنگ و آواز، ...ن سنگ و ادبیات! جایی که مقاومت با تمام ...ت که جهت صحیح را نشان می‌دهد.

...ت و در روزگاری که ما گمان می‌بریم اشغال و ...جباری که از سال ۴۸ بر شانه فلسطینیان ...اندیشه‌ها را عقیم کرده، زخم‌ها لرزه‌ای ...تان، شعر، نمایشنامه، ترانه و شعار از آنها ...تمام دنیا بسیج می‌کند.

...متفاوتی به خواب می‌رویم و از خواب بیدار ...طین تمام شده اما دیوار حائل کشیده ...ار بدون سقف جهان» بدل شده، اعراب از ...ت‌تر به قضیه فلسطین خیانت می‌کنند، ...م می‌شود و اسرائیل همچنان به دنبال آن ...به‌طور کامل از خاک فلسطین بیرون کند و ...ونه آن است. اکنون غزه در دفاع از قدس ...لین برای اولین بار یکپارچه کنار یکدیگر قرار ...اند، اما سنگ به‌جای آن‌که از دست جوانان ...م شهرک‌نشین صهیونیستی تبدیل شده ...واب سروده است: «شبانه نفوذ کن/ یک ...را با این جواب خفه کن عبدا.../ این جواب ...ت/ این فرچه آرایشگری چاقوست!»

...ت، کلمه و خون. مادران برای فرزندانشان ...خوانده‌اند و بر نعش جوانی که با اشک ...رده‌اند در مقابل تمام اندوه زمین لبخند ...لهله‌ای در دستگاه زخم و کفن. «می‌دانی ...بکشیم؟ خانواده و فامیل و همسایه؛ نه! ...در تشییع شهدایمان کل بکشیم همانی ...کل می‌کشیم تا او مبادا حتی لحظه‌ای حس

...آن کسی که همین الان از درگیری در ...بازداشت طوری لبخند می‌زند که انگار ...فلسطینی که با تمام تن خود قدم به ...یرد از تلفنش استفاده کند و دنبال تو

...م دیوارهای جداکننده و کیلومترهای ...سؤولان در کلمه و حس و روحیه کنار ...نی می‌خواهد ببیند تو نقش خودت را ...د که تو سرباز دیگری در ارتش مجازی ... می‌خواهد ببیند تو جزئی از آن قدرت

...از سر عشق به او حضور داری نه به ...ی کنی. می‌خواهد آنچه تو می‌نویسی ...باشد نه چاره نداشتن خودت. درباره

...لسطین بنویسی به آن فلسطینی‌ای ...فکر کن که او می‌خواهد چه بشنود و ...گی است.